

مدارس آنلاین و لوازم التحریر بی‌مشتري

کرکره منازعه‌های نوشت‌افزار هنوز بالا می‌رود، اما دیگر خبری از روزهای شلوغی که خانواده‌ها برای خرید دفتر، مداد و کیف مدرسه صف می‌کشیدند نیست. بازار نوشت‌افزار که سال‌ها با سال تحصیلی نفس می‌کشید، چندین ماه کم‌رونق را پشت‌سر گذاشته است؛ آن هم در شرایطی که سال تحصیلی به پایان رسیده و بسیاری از فروشندگان می‌گویند امسال حتی رونق همیشگی ماه‌های آخر مدرسه را هم تجربه نکرده‌اند.

رئیس اتحادیه صنف فروشندگان نوشت‌افزار و لوازم مهندسی تهران از تعطیلی ۵۰ واحد صنفی در سال گذشته خبر داده و گفته یکی از دلایل اصلی این رکود، کاهش حضور دانش‌آموزان در مدارس، تعطیلی‌های مکرر و دورکاری اداره‌هاست. به‌گفته او، از مجموع حدود هزار و ۹۰۰ واحد دارای مجوز، ده‌ها مغازه ناچار به پایان فعالیت خود شده‌اند؛ نشانه‌ای از بازاری که دیگر مانند گذشته مشتری ندارد.

فروشندگان اما فقط از تعطیلی مدارس نمی‌گویند. گرانی، کاهش قدرت خرید خانواده‌ها و تغییر سبک زندگی نیز سهم خود را در کم‌رونق شدن این بازار داشته است. بسیاری از دانش‌آموزان، امروز بخشی از تکالیف و یادداشتهای خود را با تلفن همراه، تبلت یا رایانه انجام می‌دهند و خانواده‌ها نیز بیش از گذشته خرید نوشت‌افزار را به اقلام ضروری محدود کرده‌اند.

با وجود این شرایط، تولیدکنندگان داخلی همچنان بخش عمده نیاز بازار را تأمین می‌کنند و بنا به گزارش اتحادیه، حدود ۶۰ درصد نوشت‌افزار بر مصرف، تولید داخل است. با این حال، فعالان این صنف امیدوارند با آغاز سال تحصیلی جدید، مدارس دوباره به کلاس‌های پررونق برگردند و همراه با رنگ مدرسه، بازار مداد، دفتر و خودکار نیز جان تازه‌ای بگیرد؛ بازاری که روزگاری صدای ورق خوردن دفترهای نو، نشانه آغاز فصل رونق آن بود، در حالی که

امسال سال تحصیلی به پایان رسید و بسیاری از

دفترها همچنان روی قفسه‌ها مانده‌اند.



فناوری‌های حوزه روستا

اصل و شرح

امروزه دسته‌بزرگی از فناوری‌های نوین در فضای روستایی کاربرد خود را نشان می‌دهند که گاهی از مجموعه آنها به نام هوشمندسازی روستاها نام برده می‌شود. به عنوان مثال همیشسه آبیاری سنتی باعث هدررفت

میزان زیادی از آب کشاورزی می‌شد اما شبکه لوله‌کشی مزرعه و در مرحله پیشرفته‌تر استفاده از حسگرها و سامانه هوشمندی که رطوبت خاک را سنجش و ثبت می‌کند، مصرف آب را کاهش می‌دهد. صفحه‌های جذب انرژی خورشیدی، مصرف برق را کمتر می‌کنند و پهپادها نظارت بر مزرعه را در ابعاد کلان بهبود می‌بخشند. استفاده از این فناوری‌ها هزینه

مهاجرت معکوس به روستا یک شعار نیست

گفت‌وگو با عبدالکریم حسین‌زاده، معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری

روند توسعه زیرساخت‌های روستایی در ایران کافی است؟

در گذشته توسعه روستایی ایران را به این شکل می‌دیدند که به آب، گاز، تلفن، جاده و... اهمیت بدهند و توسعه خوبی هم در این بخش‌ها صورت گرفت، اما تمام ماجرا این نیست و حل مسئله به این شکل رخ نمی‌دهد. ما به این نتیجه رسیدیم که توسعه جای دیگری هم وجود دارد. در مناطق کم‌برخوردار ۲ بخش از توسعه روستایی هست که امروزه اهمیت پیدا کرده است: یکی اقتصاد پایدار و دوم فناوری‌های نوین و زیست‌بوم فناورانه.

آیا تا پایان دولت چهاردهم مقیاس آماری و عددی مشخصی برای مهاجرت معکوس و بازگشت به روستاها تعریف شده است؟

نمی‌توان برای این کار یک عدد مشخص تعریف کرد، اما کلان‌هدف ما این است که مهاجرت را معکوس کنیم البته نه در عالم شعار، بلکه براساس برنامه‌های عملیاتی.

منظور از این فناوری چیست؟

فاصله بین شهر و روستا و فاصله بین توسعه یافته و کم‌برخوردار بر طرف نخواهد شد مگر به مدد فناوری. فناوری هم فاصله‌ها را کم می‌کند و هم هزینه‌ها را افزایش می‌دهد. به دلیل اینکه ظرفیت‌های روستا را از پهنادهای کشاورزی گرفته تا روش‌های نوین تأمین مالی می‌توانند به مدد روستاها بیایند تا به جایی برسیم که روستاهای هوشمند داشته باشیم. در این صورت مهاجرت معکوس از شهرها به روستاها واقعی‌تر و عینی‌تر خواهد شد. مشکلات حوزه انرژی، آب و برق کاهش پیدا می‌کند و زنجیره فروش محصولات کشاورزی و دامی بهبود می‌یابد.

66



کلان‌هدف ما این است که مهاجرت را معکوس کنیم البته نه در عالم شعار بلکه براساس برنامه‌های عملیاتی



محمد سرابی | روزنامه‌نگار | بخش زیادی از روستاهای ایران دارای امکاناتی مانند برق و گاز شده‌اند، اما همچنان روند

مهاجرت و تخلیه مناطق روستایی عمدتاً به دلیل مشکلات اقلیمی ادامه دارد. روستاهایی که زمانی ۷۰ درصد جمعیت ایران را در خود جای دادند، اکنون محل زندگی کمتر از ۳۰ درصد جمعیت هستند و از آن‌سو شهرها در مقابل فشار جمعیت ناتوان شده‌اند. زیرساخت‌هایی مانند جاده و آب آشامیدنی دیگر نه تنها باعث مهاجرت معکوس نمی‌شوند، بلکه حتی برای ماندگاری جمعیت باقی‌مانده کافی نیستند. روستاهای امروز نیاز به فناوری‌های نوین دارند تا بتوانند با هزینه و صرف منابع کمتر، محصولات کشاورزی تولید کنند و به دست مصرف‌کننده برسانند تا شاید بتوان بخشی از جمعیت مهاجرت کرده را به آنها بازگرداند.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری با امضای یک توافقنامه ۳ ساله، همکاری راهبردی خود را برای توسعه زیست‌بوم نوآوری، فناوری و کارآفرینی در مناطق روستایی و محروم آغاز کرده‌اند؛ توافقی که با تکیه بر ظرفیت دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان، ایجاد اشتغال پایدار و افزایش بهره‌وری در روستاها را هدف‌گذاری کرده است. عبدالکریم حسین‌زاده، معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری در حاشیه مراسم امضای این توافقنامه به سؤالات همشهری پاسخ داد. به گفته او با اینکه هنوز هم مناطق محرومی در کشور وجود دارند که نیازمند آب آشامیدنی بهداشتی یا اینترنت پرسرعت هستند، اما شکل کلی توسعه روستایی از «زیرساخت‌محور» به «فناوری‌محور» تغییر کرده است.

غزه از جام جهانی هم محروم شد

تا همین چند روز پیش، ساکنان غزه با همت یک معلم بازنشسته، می‌توانستند برای لحظاتی در رؤیای جام جهانی غرق شوند و حالشان را با زندگی گره بزنند. محمد وحیدی، معلم بازنشسته و ۶۵ ساله



و در حمله به خودروی محمد وحیدی، این نورامید را به شهادت رساند. حالا شبکه‌های اجتماعی پر است از چهره‌های مهربان او؛ مردی که برای اهالی غزه، نمادی از زندگی و زنده ماندن بود.

اهل غزه بود که در سخت‌ترین روزهای جنگ، با فراهم کردن امکان تماشای فوتبال، ذره‌ای شادی به دل‌های خسته مردمش می‌بخشید اما رژیم صهیونیستی این شادی کوچک را هم طاقت نیاورد

صدای جنوب

گفت‌وگو با حسین اژدهایی که در روزهای جنگ، راوی رخدادهای مهم خلیج فارس است

گزارش

رابعه تیموری | روزنامه‌نگار | از نخستین روزهای شروع جنگ تحمیلی سوم که رخدادهای جنگ با نام تنگه هرمز گره خورد، با هر خبر خوش و ناخوشی که از این پهنه آبی‌رنگ متلاطم در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شد، خبرنگار جنوبی صداوسیما خودش را به آن نقطه می‌رساند تا از چند و چون ماجرا با خبر شود و دیده‌ها و شنیده‌هایش را از طریق تلویزیون و با همان لحن خودمآمانی و خاصش با مردم در میان بگذارد. این حاضر به برافری و بی‌تکلفی «حسین اژدهایی» باعث شد او خیلی زود به یکی از منابع خبری و چهره‌های نام‌آشنای مردم تبدیل شود و در لحظات دلوپسوی آنها برای خلیج فارس، امانتداری و هوشیاری نگهبانان و مدافعان این پاره‌تن ایران‌زمین را روایت کند تا از امن و امان بودن خطه جنوب خاطر جمع شوند.

روایت اقتدار

پیش از شروع جنگ تحمیلی سوم، حسین اژدهایی را اغلب موقع برگزاری رزمایش‌های نظامی و در کادر تصاویر تلویزیونی می‌دیدیم که در پس‌زمینه آنها، شناورها و قایق‌های غران نیروی دریایی، پهنه آبی خلیج فارس را فاتحانه طی می‌کردند. در این تصاویر تلویزیونی نقل‌پر حرارت آقای خبرنگار از اقتدار نیروهای مسلح کشور، به مارش پیروزی شهابت داشت که این تصاویر را تماشایی‌تر و دلنشین‌تر می‌کرد. با شروع جنگ که جنوب کشور به یکی از صحنه‌های رویارویی ما با دشمن تبدیل شد، اژدهایی گوش به زنگ بود تا اگر سایه دشمن در آن حوالی پیدا شد، خود را به آنجا برساند و با به تصویر کشیدن ایستادگی جانانه مدافعان کشور در مقابل این تهدیدات، خیال مردم را از امنیت این خطه استراتژیک آسوده کند.

شاهد عینی

بازتاب دادن روحيات و سبک زندگی مردم صبور جنوب کشور در گيرودار جنگ یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گزارش‌های زنده اژدهایی از شب‌ها و روزهای خلیج فارس بوده است. او به همشهری می‌گوید: «یکی از لحظات مهمی که در روزهای جنگ تجربه کردم، شبی بود که رسانه‌های دشمن با انتشار خبر قریب‌الوقوع بودن حملات شدید در تنگه هرمز، جنگ روانی به راه انداخته بودند که همه زیرساخت‌ها را نابود می‌کنند و فضای جامعه را ناآرام کرده بودند. در آن شرایط من که از نزدیک ناظر جریان آرام‌زندگی در خلیج فارس بودم، تصمیم گرفتم به عنوان یک ناظر عینی با نقل و انعکاس این فضا، بار روانی و نگرانی مردم از شرایط خلیج فارس را کم کنم. این روایتگری را هم بسیار ساده انجام دادم و گزارش‌م را با این توصیفات قابل لمس از شرایط لب ساحل خلیج فارس شروع کردم و گفتم که اینجا تازه در جنوب سرشبه؛ مردم تخمه‌ها را آوردن لب ساحل و دارن در بارو نگاه می‌کنن...»

مصاحبه با مادران داغدار

آقای گزارشگر در تلخ‌ترین و دشوارترین روایت‌ها و گزارش‌هایش هم سعی می‌کند مخاطب را در حس و حال ناخوشش شریک نکند و لحن مصمم و خودمآمانی او به بینندگان و شنوندگان امید و آرامش را منتقل کند، اما وقتی داغ دل مادران و پدران کودکان میناب را روایت می‌کرد، بی‌آنکه در قید و بند گزارشش باشد، با هموطنانش صمیمانه درد دل کرد و از این داغ سرزدنش می‌ناب گفت: «تلخ‌ترین اتفاقی که در ۳۰ سال فعالیت خبری‌ام دیدم و گزارش کردم، حمله دشمن به مدرسه میناب بود که به محض رسیدن به مدرسه فرور یخته با صدها پیکر قطعه قطعه شده کودکان و پدر و مادرهای حیران روبه‌رو شدم. از آن زمان تا امروز ارتباطم با این خانواده‌ها قطع نشده و تاکنون با ۱۰۰ خانواده شهید گفت‌وگو کرده‌ام. هر بار هم با هر کلام و روایت نو و کهنه‌ای که از آنها می‌شنوم، قلبم پاره‌پاره می‌شود.»

به‌جان خریدن خطر

حاضر به براق بودن و حاضر شدن اژدهایی در بطن اتفاقات خلیج فارس، خالی از خطر نبوده و حوادث مختلفی را از سر گذرانده است: «بسیاری از حمله‌های دشمن به‌صورت دو مرحله‌ای انجام می‌شد و وقتی ما به محل حمله می‌رسیدیم، نمی‌دانستیم تا چند لحظه بعد چه اتفاقی می‌افتد. در یکی از این حملات قایق صیادان را با ۲ پرتابه مورد حمله قرار دادند، قایق ما در فاصله ۲ کیلومتری محل انفجار دچار نقص فنی شد و اگر برای رسیدن قایق جایگزین معطل نمی‌شدیم، ما هم مورد اصابت پرتابه قرار می‌گرفتیم.»



مکتب

مسیر ناهموار آقای خبرنگار

اژدهایی برای ثابت کردن توانمندی خود از نوجوانی پاشنه‌ها را ورکشیده است: «در نوجوانی بیشتر اوقاتم در زیرزمینی نمور را خواندن روزنامه‌ها و مجله‌های آن زمان و گوش دادن به برنامه‌های رادیویی می‌گذشت. احساس خوبی که با شنیدن صدای گوینده‌های موفق می‌ماندم مریم نشکیبا پیدا می‌کردم باعث شد به گویندگی خبر علاقه‌مند شوم و آنقدر در تست‌های استعدادی و آموزش‌های رادیو و تلویزیون شرکت کردم تا توانستم وارد دنیای خبر و گویندگی شوم.» اژدهایی اغلب سال‌های خدمتش در صداوسیما را در جنوب کشور گذرانده و راوی حال‌واحوال و اتفاقات دیار آبا و اجدادی‌اش بوده است. شاید لحن و شیوه روایتگری خودمآمانی و خاص آقای خبرنگار سفیدموی صداوسیما مرکز بن‌بر عباس مهم‌ترین علت مقبول افتادن گزارش‌های داغ او نزد مردم گوشه و کنار کشور باشد، اما اژدهایی معتقد است رسالت حرفه‌ای که او برای خودش تعریف و ترسیم کرده، باعث شده روایتگری صادقانه و مردم‌پسند داشته باشد: «من پاتک و به حملات رسانه‌های بیگانه به فرهنگ و تمدن و موجودیت کشور را وظیفه رسانه‌های داخلی می‌دانم و سعی می‌کنم در این جنگ رسانه‌ای با روایتگری صادقانه و مطابق با روحیات مردم کشورم، نقشی کوچک و مؤثر داشته باشم.»